



مارکو مولر

من فیلم را نمی بینم، بلکه آنرا حس می کنم

تنظیم: حسین تقی پور

است. بنابراین می توانم بگویم در فرمول من برای تغییر در برنامه ریزی جشنواره، حتماً گنجاندن سینمای نوجای خاصی دارد. منظور از سینمای نو تجدید نظر و تفکر مجدد درباره سینما است تا صرف فیلمسازی، بنابراین در برنامه امسال کارگردانهایی را می بینیم که در فیلمهایشان مدام نحوه فیلمسازی و بیان خود را مورد سؤال قرار می دهند و تجربه های تازه و نو می کنند. از طرف دیگر باید به استعداد های جوان و نو پا هم که می توانند در شکل گیری مدام این سینمای نو نقشی بازی کنند، توجه نشان داد. اما مسلماً مشکل است که بتوان توازن و تعادلی بین فیلمهای بزرگ و پر خرج کشورهای غربی و سینمای کشورهای که فقط روح خلاقه دارند، حفظ کرد. همین خصوصیت است که جشنواره لوکارنو را اعتبار می بخشد. لوکارنو محل تلاقی فرهنگها و میعادگاه استعدادهای سینمایی از گوشه و کنار جهان است.

مارکو مولر درباره چگونگی کشف و معرفی فیلمسازان تازه کار و استعداد های سینمایی کشورهای دیگر یا از طریق مشاوران یا سفر و تماس با فیلمسازان اقدام می کنیم و آنها با آمدن به لوکارنو راه موفقیت خود را از این جشنواره آغاز می کنند که نمونه زنده ی آن «اسپایک لی» و یا چند کارگردان ایرانی است. مسلماً کشورهای که فیلمها در آن تولید می شود، نیز مهم هستند. کشورهای که مشخص است از جنبه وجود فیلمسازی که خلاقه اند اما شناخته شده نیستند، اهمیت دارند. برای ما فرصت های مختلفی وجود دارد که این تجربه هارا که چالب هم هستند دیده و بشناسیم. البته من بسیار سفر می کنم، به جشنواره های گوناگون رفته و با مدیران آن ملاقات می کنم؛ ولی مساله این است که کشورهای که فیلمها را تولید می کنند نیز مهم هستند. به عنوان مثال من به کشورهای اسلامی، چین، تایوان و یا ژاپن سفر می کنم زیرا می دانم در این کشورها چیز تازه ای در حال شکل گیری است و اتفاق های جدیدی روی می دهد. گروهی مشاور نیز در سراسر جهان داریم که ما را در جریان رویدادهای سینمایی قرار می دهند. ما از بین بیش از ۱۲۰۰ فیلم که به جشنواره لوکارنو معرفی می شود، فیلمهای مورد نظر را انتخاب می کنیم.

مارکو مولر در پاسخ به این سؤال که چه عاملی در یک فیلم باعث می شود که او تشخیص دهد کارگردان آن هنرمندی خلاق و نوآور محسوب می شود و تهیه فیلم برای او جنبه هنری دارد یا تجاری؟ می گوید: «من فیلم را نمی بینم، بلکه آن را حس می کنم. دقیقاً نمی دانم چه چیزی در یک فیلم می بینم ولی می دانم چه حس می بینم. برای آنکه فیلمی در جشنواره لوکارنو به نمایش درآید، من باید آنرا با تمام وجود حس کنم و واکنشی عاطفی و قلبی نسبت به آن داشته باشم. پس از

پایه گذاری کنند که دومین سال آن تا چند روز دیگر آغاز می شود. یکی از موفقیت های او معرفی فیلمسازان و سینمای نوین ایران در جشنواره سال گذشته است. مارکو مولر در یک گفتگوی رادیویی از برنامه های آینده جشنواره لوکارنو، نحوه انتخاب فیلمها و سینمای ایران سخن گفته است، که توجه شما را به آن جلب می کنیم.

«برای ما عامل مهم در جشنواره لوکارنو حفظ خصوصیت ترکیب فرهنگ و سینماهای مختلف

«مارکو مولر رئیس جشنواره لوکارنو» از بینشی کم نظیر در تشخیص استعداد های جوان و گمنام، همچنین معرفی و شناساندن آنها به جهان برخوردار است. وی با افتخار می گوید: «لوکارنو محل تلاقی فرهنگها و میعادگاه استعداد های سینمایی از گوشه و کنار جهان است». مارکو مولر وارث فرهنگ چندگانه که به قول خودش به همه دنیا تعلق دارد به سینما دوستان یوگسلاوی سابق نیز یاری داده تا جشنواره فیلم «سارایوو» را

مشاهده یک فیلم از خود سؤال می‌کنم چرا از این فیلم خوشم آمده و با آن ارتباط برقرار کرده‌ام؟ هر زمان فیلمی را می‌پسندم، فکرش تا چندین روز بماند است. می‌دانم آن فیلم چیز بخصوصی داشته که مرا تکان داده و مردم باید آنرا ببینند.

مارکو مولر از اولین کسانی است که به اهمیت سینمای ایران پی برده و هنرمندی چون عباس کیارستمی، را ارج نهاد. و بعدها فیلمسازان دیگری نظیر محسن مخملباف، «کیانوش عیاری»، «ابراهیم فروزش» و «رخشان بنی‌اعتماد» توانستند در این جشنواره جایزه‌های مهمی را از آن خود سازند. مارکو مولر می‌گوید: «به اعتقاد من اصطلاح سینمای ملی یک تخیل است، چیزی به نام سینمای ملی وجود ندارد. مساله این است که فقط چند نوع تولید فیلم وجود دارد و این به عهده فیلمسازان است که در غالب آن چگونگی کار کنند. در جریان کنونی سینمای ایران سه یا چهار نوع تولید فیلم امکان پذیر است و من فیلمسازانی را می‌بینم که واقعاً می‌توانند به مفهوم و معنای سینمای مدرن چیزی اضافه کنند و با استفاده از کانال‌ها و روش‌های محدودی که دارند فیلمهای فوق‌العاده بسازند. من به مخملباف فکر می‌کنم، به کیارستمی، به جلیلی و دیگر کارگردانهایی که فیلمهایشان را مابرای اولین بار در جشنواره لوکارنو معرفی کردیم و بعدها باز هم به جشنواره لوکارنو بازگشتند. در مورد سینمای ایران ما واقعاً چند مورد استثنایی و شگفت‌انگیز دیدیم. سه یا چهار کار تازه در سینمای ایران کشف کردیم ولی از ابتدا می‌دانستیم سینمای ایران قبیله‌ای است از فیلمسازان مستقل و سعی داریم تجارب آنها را بیشتر در اروپا معرفی کنیم. در این مورد می‌خواهم از فیلمسازانی چون «تقوایی» و «فروزش» هم نام ببرم.»

از مارکو مولر درباره اینکه هم اکنون سینمای نو در کدام کشور در حال شکل‌گیری و رشد و توسعه است سؤال شد. وی در پاسخ گفت: «این سئوالی است که من بارها از خودم می‌پرسم. آیا من تمرکز خود را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر تغییر می‌دهم یا نه؟ چون در یک منطقه یا یک سبک سالها کار می‌کنم بعد آن را رها می‌کنم و فکرم را به یک روش جدید و یک کشور تازه معطوف می‌سازم. در واقع مدام در حال مکاشفه هستم.»

مارکو مولر معتقد است: «در کشورهای چون ایران و مصر استعداد های تازه و کشف نشده‌ای وجود دارند و برای فیلمسازان این کشورها فیلم یک نوع بیان هنری شخصی است.»

او می‌گوید: «یکی از افسوس‌های من این بود که نتوانستم بعضی از استودیوهای بزرگ هالیوود را قانع کنم که فرصتی به ما بدهند تا بتوانیم آثار دریا سبک کارگردان آنها را نیز نشان دهیم که بر اساس سینمای حرفه‌ای فیلم سازند. معتقدم حتی در چهار چوب هالیوود نیز فیلمهای آوانگارد (پیشرو)

تهیه و ساخته می‌شود که نمونه تازه اش «ماموریت غیر ممکن» است.

از مارکو مولر درباره انتخاب فیلم و خارج ساختن آن از بعضی کشورها که دارای مشکل سیاسی و محدودیت هستند سؤال شد. وی گفت: «به‌دترین نمونه چین است. فکر می‌کنم، مشکل‌ترین کشوری که ما طی سالیان با آن گرفتاری داشته ایم چین است. چرا که متأسفانه برای من که مدت‌ها در آنجا زندگی کرده‌ام، زبان چینی و فرهنگ آنرا می‌شناسم، خوب می‌دانم چه چیزی در آن کشور جالب است، چه فیلمی در حال تمام شدن و یا اینکه چه فیلمی می‌تواند در جشنواره‌ای ما نمایش داده شود. اما هر بار نیز دچار سرخوردگی می‌شوم چون می‌دانم در آنجا علاوه بر استعدادهایی که گماکان فعالند، رویدادهای بسیاری در جریان است. هر ساله چند استعداد نوپا شکوفا می‌شود که واقعاً ما را به

مولر:

من دقیقاً نمی‌دانم که به چه قسمت از اروپا و یا دنیا تعلق دارم ولی می‌دانم که آماده کسب تجارب تازه از تمام نقاط دنیا هستم

شکفتی را می‌دارد و هر کدام نیز سبک مخصوص به خودشان را دارند و دز ژانر بخصوصی کار می‌کنند. البته من می‌دانم هر سال چه تعداد باید فیلم خوب از موج نوی سینمای چین داشته باشیم، اما به سبب مشکلات خارج کردن فیلمها، این فرصت را از دست می‌دهیم. می‌دانم اگر روزی محدودیت‌ها پیر کطرف شود و آزادی‌هایی داده شود، سینمای چین نیز مانند روسیه پس از «پروستاریکا» همچون چمبه‌ای جوافری خواهد بود که در آن کشورده می‌شود.»

از مارکو مولر که یک اروپایی چند فرهنگی و چند زبانی است سؤال شد، شما که هستید؟ مولر گفت: «من دقیقاً نمی‌دانم که به چه قسمت از اروپا و یا دنیا تعلق دارم، ولی می‌دانم که آماده کسب تجارب تازه از تمام نقاط مختلف هستم و شاید این مساله تا حد زیادی از تاریخچه و سابقه فرهنگی من مایه می‌گیرد، که می‌تواند زندگی در هر نقطه و فرهنگی را تحمل کند. من وارث یک فرهنگ چندگانه هستم. خانواده‌ام دارای ریشه‌های برزیلی، یونانی، سیسیلی، فرانسوی و آلمانی است.»

نشر قاصدک شادی

منتشر کرده است:

- ۱- نی لبک سحر آمیز
نویسنده فریبا کلهر
- ۲- یک باغچه بهار
نویسنده محمدرضا یوسفی
- ۳- مجموعه قصه‌های سیمون
مترجم: علی دانش
تلفن: ۷۹۹۱۹۷

مؤسسه نشر قدیانی

منتشر کرده است:

- فال خون
نویسنده داود غفارزادگان
- فراموشان
نویسنده داود غفارزادگان
- به جای دیگر
نویسنده: مصطفی خرامان
- نیمه‌های فراموشی
نویسنده: مهرداد غفارزاده
- کودکان:
قصه‌های حسنی در ۲ جلد
نویسنده: محمدرضا یوسفی
ترجمه:
- رشد و پرورش (فعالیت‌های محرک برای کودکان خردسال)
مترجم: دکتر فرخنده مفیدی
تلفن: ۶۴۰۴۳۱۰

آموزشگاه

هنرهای تجسمی ابتکار

برای رشته‌های

طراحی، نقاشی

و خوشنویسی (ریز و درشت)

ثبت نام می‌کند

سیدخندان - اول میرمطهری پلاک ۴

تلفن: ۸۶۸۷۰۳

سینما تئاتر

تلفنی آگهی می‌پذیرد

۸۹۷۷۵۷